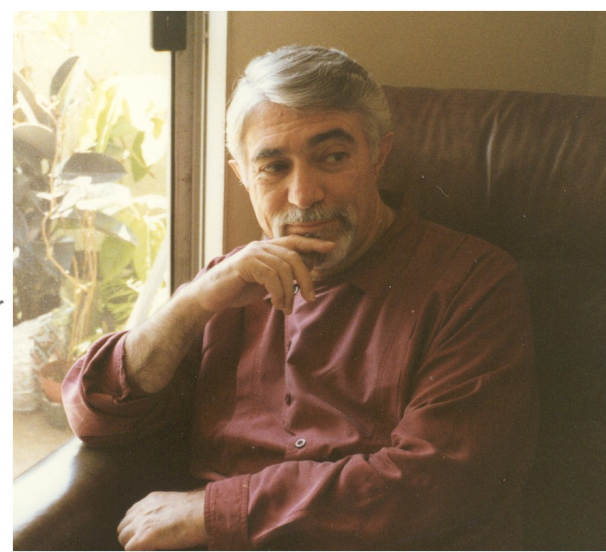


## پیامی به «سبکباران ساحلها»\*



غروب در شمال

شیر دریا خفته در آغوش نیرازان هنوز  
 بی‌شبه بیدارست از بانگ سپیداران هنوز  
 دست‌ش‌ب، نارنج‌سرخ آسمان را چیده است  
 خون او جاری است از دندان کوساران هنوز  
 با طلوع هر چراغی، روز پرپر می‌شود  
 آسمان گلگونتر است از چشم تباران هنوز  
 باد، سر بر میله‌های سرد باران می‌زند  
 مانده در زندان او همچون تبهکاران هنوز  
 موج، گوئی خواب دریا را پریشان می‌کند  
 شیرخواب آلود می‌خرد به نیرازان هنوز  
 آه! امشب درمن دریا پریشانتر، کسی است  
 کز خیالمن می‌پریشد خاطر یاران هنوز  
 حسرت تلخی است در کامش که از می‌نوشترست  
 مستی اش خوابی است دور از چشم بیداران هنوز  
 گریه مستانه اش در بزم هشیاران چرا؟  
 نهمم باران خوش است آخر به میخواران هنوز (\*)  
 آه! این مردی که درمن می‌خوشد کیست، کیست؟  
 رسته از بندی، در انبوه گرفتاران هنوز  
 پرده را پس می‌زنم؛ مرغابیان پرمی‌زنند  
 گوشه‌ای از آسمان، آبی است در باران هنوز...

دستاربندها نظام اسلامی، «احل کلام» را به قربانگاه می‌برند و این «احل کلام» نه همان‌هاست که به قول  
 «حافظ»: جای درگوشه محراب می‌کنند، بلکه آنانند که چون سخنی جز سخن دستاربندها بر زبان می‌رانند:  
 کلامی حرام! و گوشتی حلال دارند! ولین، چندان شگفت نیست زیرا که دستاربندها، چنان  
 گرسنه قدرت پدیدارند که حتی گوشت آدمی را قربانی حلال می‌شمارند.

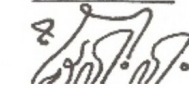
نگاه کنید! تنها در طول دهفته‌ای که گذشت، چهارتن به قربانگاه رفته‌اند: «دارنوش فروهر» و «پروانه  
 اسکندری»، «محمد شریف» و «محمد مختاری»، و دوتن دیگر: «پیروز دوانی» و «محمد جعفر پوینده» نیز  
 احتمالاً در نیمه راه قربانگاهند، ولین، درست‌مقارن با زمانی است که آقای رئیس‌جمهوری اسلامی  
 در جلسه بزرگ دانشجویان شرکت می‌جوید و برکتش تیزسخنی ایشان، با همان کلمات حکیمانه میان‌های،  
 آب سرد می‌پاشد و پوشیده می‌گوید که اگر این جنایات، کار افراد حزب‌الله بوده باشد: باید که به پاس  
 شرکت داشتندشان در «انقلاب اسلامی» و «جنگ ایران و عراق»، بر آنان بخشاشیم!

شاید که تاریخ جهان، این‌گونه وقاحت را کمتر به یاد آورد و کمتر اتفاق افتاده باشد که خوشخواری  
 همانند سران «ولایت فقیه»، ترفندی چنین زیرکانه بیندیشند که صورت زشت نظامشان در پس  
 نقابی کرام و خندان پنهان گردد و نه فقط ایرانیان، بلکه جهانیان نیز از جلوه‌گریهای آن نقاب، فریفته شوند.  
 اما آنچه مایه شگفتی است: نظاره خاموش «جهان غرب» بر این سلسله‌هاست. شما که در کشوری  
 متحد آمریکای شمالی اقامت دارید، بی‌گمان دیده‌اید که رسانه‌های گوناگون این اقلیم فراخ، چگونه در  
 مقابل جنایات بزرگ نظام اسلامی خاموشی‌گزیده‌اند، ولین رسانه‌ها، همان‌هاست که اگر قطره‌ای خون  
 از بینی یک آمریکائی در گوشه دور افتاده‌ای از جهان بر زمین فرو چکد، چه فریادها که بر می‌کشند.

با اینهمه، خاموش ماندن بر ما - ایرانیان برون‌مرزی - حرام است. باید که به هر بهانه و هر وسیله،  
 بانگ اعتراضمان را بر ضد جنایات هولناکی که در ایران امروز روی می‌دهد، به گوش جهان برسانیم  
 و باید که «سبکباران ساحل‌های مغرب» را از حال کسانی که در گرداب خون غرق می‌شوند، آگاه گردانیم.  
 وقت است که دست در دست و پهلوی پهلوی، فریاد برآوریم که: ای مدعیان دفاع از حقوق  
 بشر! به پاس اعتبار منشوری که پنجاه سال از عمرش می‌گذرد، به تبهکارهای خونین حکومت دستاربندها  
 در ایرانی که نگارنده نخستین بیان نامه حقوق انسانی است، دلیرانه اعتراض کنید!

لوس آنجلس - پنجشنبه، دهم دسامبر ۱۹۹۸ = نوزدهم آذرماه ۱۳۷۷

نادر نادرپور



\* - به مناسبت روز «اعلامیه جهانی حقوق بشر» (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸).

www.Naderpour.com

رامسر - ۱۴ دی ماه ۱۳۵۱

نادر نادرپور